

سه پرسش درباره عاشورا

در جمع مردم روستای اسفندآباد شهرستان ابرکوه؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و على آبائه في هذه الساعة و في كل ساعة وليا و حافظا و قاعدا و ناصرًا و دليلا و عينا حتى تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فيها طويلا

خداوند بزرگ وجود عزیز بقیه الله را از هر گزندی مصون و محفوظ بدارد و فرجش را عاجل گرداند و ما را از بهترین یاران او قرار دهد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد ...

خدای بزرگ را شاکرم که توفیقی داد امشب را محضر شما مردم فرهیخته هوشیار و هوشمند این منطقه باشم و از عزیزانی که باعث و بانی این جلسه بودند تشکر می کنم گر چه الحمد لله این منطقه از نعمت روحانی فاضل برخوردار است .

انشاءالله که قدردان نعمت های الهی باشیم متوسل می شویم به صلوات بر محمد و آل محمد

من فرصت کوتاهی را در نظر گرفتم محضر شما دوستان و برادران عزیز و همچنین خواهران گرامی باشم اما در این فرصت کوتاه دوست دارم امکانش باشد که بحثی را مطرح کنم که مفید و جدید باشد

• سه سوال درباره عاشورا

در رابطه با واقعه عاشورا سه سوال مطرح است من دوست دارم آن ها را مطرح کنم و جواب دهم

گر چه دوست دارم مطلب را به گونه ای مطرح کنم که عوام بفهمند و خواص بپسندند

- سوال اول این است که واقعه عاشورا چگونه رخ داد؟
- سوال دوم این است که چه عواملی باعث شد واقعه عاشورا رخ دهد؟
- و سوال سوم این است که هدف امام علیه السلام از واقعه عاشورا چه بود؟

چه حوزویان و چه دانشگاهیان بدانند این سه سوال سه رساله و سه پایان نامه و سه پژوهش است گاهی برخی دوستان ما دنبال موضوع پایان نامه هستند و رشته آن ها هم به این مسائل ربط پیدا می کند .

من پیشنهاد می دهم که این سه موضوع به طور جدا بررسی شود هر کدام از این موضوعات جداگانه ظرفیت یک کتاب دویست و پنجاه صفحه را دارد .

اما راجع به سوال اول:

من و شما کم و بیش با واقعه عاشورا این که چگونه گذشته است ، آشنا هستیم اما کسی ناراحت نشود، بسیار ناقص و ناتمام آشنا هستیم من و شما بیشتر از واقعه عاشورا آن چه حزن انگیز و رقت آور و احساسی بوده خبر داریم این که جناب علی اصغر سلام الله علیه و جناب علی اکبر چگونه شهید شد خبر داریم ... ابوالفضل العباس و یا امام حسین علیهما السلام شهید شد و این که چگونه شهید شد این ها را خبر داریم اهل بیت چگونه به اسارت رفتند و یا شب عاشورا چه رخ داد و یا روز عاشورا چه گذشت... بعد از عاشورا چه شد... یا زینب کبری د رمجلس یزید چه فرمود ؟ یا در مجلس عبیدالله چه مطرح شد امام سجاد در مسجد اموی شام چه کردند و چه گفتند ... ما همه این ها را خبر داریم من همه این ها را در زیر مجموعه موضوعات احساسی جمع می کنم . واقعا هم حزن انگیز است عزادار اباعبدالله علیه السلام فقط شما و مسلمانان شیعه و سنی نیستند خیلی از انسانها از بودیست و هندویست وقتی از واقعه عاشورا می شنوند و می فهمند ناراحت می شوند و اشکشان جاری می شود و لذا بخش عظیمی از عزاداران اباعبدالله الحسین غیر مسلمان و غیر شیعیان اند .

ولی من به شما عرض کنم بحث و محور اصلی صحبت من این زاویه از موضوع نیست و البته فرصت به من اجازه این مطلب را نمیدهد .

ولی واقعه عاشورا زوایای مختلف دارد و پر از حماسه و انقلابی گری است ؛ مبارزه با ظلم است ، آزادی است امر به معروف و نهی از منکر هست ... این ها هم بخشهایی از عاشورا است ؛ حادثه عاشورا پر از نکات اخلاقی است من صرفا به یک موضوع اشاره می کنم ... و میگذرم ... روز عاشورا است موسی بن عمیر انصاری می گوید پدرم صدای بلندی داشت و در واقعه کربلا بود پدرم عمیر انصاری را خواستند و فرمودند : «عمیر! بین لشکریان من با صدای بلند بگو : هیچ کس در بین ما نباشد که حق الناس برگردنش باشد ... امروز همه به شهادت می رسند اما من نمی خواهم کسی حق الناس برگردنش باشد و در کنار ما به شهادت برسد . . یکی بلند شد گفت: من حق الناس برگردنم هست و به همسر سفرارش کرده ام که آن را ادا کند... امام فرمودند: مطمئنی خانمت دینت را ادا می کند؟

چقدر اخلاق در این مطلب خوابیده است ... روز عاشورا یک نفر هم برای امام علیه السلام بماند یک نفر است نه این که امام احتیاج به سرباز داشته باشد ... دیگر کار از کار گذشته است .. اما یک نفر هم باشد شهید شود و سعادت مند شود برای خودش و امام زمان ارزش دارد ... اما امام علیه السلام می فرمایند حق الناس حساب خودش را دارد .

ظهر می شود امام علیه السلام می فرمایند به لشکریان مقابل که بگذارید ما آخرین نمازتان را بخوانیم .

و آن نماز ظاهرا دو شهید داده چون سه نفر محافظ امام می شوند ... آن از حق الناس صبح و این از حق الله در وقت نماز ظهر که امام می خواستند هر دو تا دیر نشده، ادا شود .

باور کنید چون صدای مرا بعدا بسیاری می شنوند و آن این که واقعه عاشورا پر از نکات اخلاقی است .

این ها چگونگی حادثه کربلا است این جا است که باید گویندگان و مبلغان هر چه می توانند در این موضوعات بیان کنند که الحمد لله زیاد هم بیان کردند ...

و اما سوال دوم : عواملی که واقعه عاشورا را به وجود آورد چه بود؟

فرض کنید ما می خواهیم بشماریم یک دو سه چهار و پنج و آن عوامل را مطرح کنیم از کجا شروع کنیم من شما را به کجا ببرم ؟ وقتی یزید یا معاویه سر کار آمدند ... وقتی که امام حسن علیه السلام به شهادت رسیدند من معتقدم عوامل عاشورا که واقعه عاشورا را رقم زد ، خیلی از این ها که به کربلا آمده بودند و امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند با گوش خودشان شنیده بودند : که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بودند : الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة .. این روایت متعلق به ما صرفا شیعیان نیست متعلق به سنی ها هم هست ... حسن و حسین سروران جوانان بهشتند ... همین عمر سعد و شمر شنیده بودند و شنیدند که رسول خدا فرموده بودند: حسین منی و انا من حسین ... حسین از من است و من از حسینم ... سوال این بود که پس چرا این ها به کربلا برای به شهادت رسانیدن امام آمده بودند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله سال یازدهم هجری وفات می کنند و واقعه عاشورا سال 61 هجری اتفاق می افتد ... یعنی پنجاه سال .. بحث این است که چه شد که در این پنجاه سال همه چیز عوض شد و واقعه عاشورا را به وجود آورد؟ آیا میدانید باید به کجا برویم؟ باید برویم و روزهای رحلت پیامبر را بررسی کنیم ... میدانید روزهای بعد رحلت پیامبر ، امامت منحرف شد به جای این که امام منصوب از طرف خداوند و امامی که پیامبر در واقعه غدیر خم معرفی کردند مردم از او تبعیت کنند ... در عوض ضعیف ترین انسان ها سر کار آمدند و مردم نادان هم از آنان تبعیت کردند؛ ... نه سواد دارند و نه سابقه درستی دارند و نه مدیریت دارند یعنی سنگ بنای کج بعد رحلت پیامبر شروع شد و میدانید اگر رهبری جامعه دست ناتوان بیفتند اگر رهبری جامعه دست فاسد و فاسق بیفتد دست کسی که نتواند مدیریت کند و مردم را جمع کند، توانایی علمی آن را نداشته باشد همه چیز به هم می ریزد یعنی بعد رحلت پیامبر ما هیچ چیز جای خود نداریم . دیدید یک زلزله شدید بیاید تصور کنید یک زلزله شدید بیاید و سقف بریزد و خرابی به بار بیاورد دیگر نمی توان خسارت را جمع کرد ... جامعه هم به همین شکل است جامعه گاه می شود مثال یک جامعه زلزله زده که هیچ چیز جای خود نیست و بعد رحلت پیامبر متاسفانه جامعه اسلامی به واسطه رهبر شدن انسانها ناتوان به این جا رسید ...

و لذا شما فساد می بینید ؛ تبعیض و پارتی بازی و ... می بینید .. استاندار کوفه است من شرمم می آید برخی مطالب را بگویم ... ولید بن عقبه شب عرق می خورد و شراب می خورد کار منافق عفت می کند اما استاندار هست و از طرف خلیفه مسلمین منصوب است و صبح به نماز جماعت می آید در قنوت نمازش شعر عاشقانه می خواند ... در محراب نماز حالش به هم می خورد و شراب استفراغ

میکند.. انگشتر استانداری را از دستش در می آورند، نمی فهمد... بعد این انگشتر را به مدینه می فرستند نزد خلیفه که عثمان است و به او می گویند: استانداریت گل کاشته و داستان از این قرا راست و چون این استاندار خودی است، کسی که علیه او شهادت داده بود شلاق می خورد که چرا شهادت دادی؟

و آن استاندار هم د رکارش باقی می ماند... از این مسائل د رجامعه اسلامی زیاد است ...

تاریخ صدر اسلام از این ها پر است و یکی از دیگری بدتر ...

بگذارید من سریع عبور کنم چون وقتی را که در نظر گرفتند زیاد نیست ...

می آییم سراغ معاویه او می خواهد فرزند خود را خلیفه مسلمین کند آیا خلیفه مسلمین می دانید یعنی چه؟ به این معنا است که ایران با آن همه وسعت د رجهان آن روز صرفا یک استان اوست و یا عربستان یک استان او است... مصر یک استان او است سوریه و شامات یک استان او است می خواهد خلیفه این مملکت شود و او کسی نیست جز یک جوانک سی و پنج ساله در سن سی و سه یا سی و چهار خلیفه شده است یزید کیست؟ یک روز نه کلاس دیده نه معلم دیده و نه در شهر بزرگ شده است... مادرش وقتی یزید را به دنیا آورد به معاویه گفت: من از کاخ و... و شهر خوشم نمی آید زن چادر نشین بود گفت من دوست دارم در چادر و در بیابان باشم... معاویه گفت اشکال ندارد فرزندت را بردار به آن جا برو... با هم توافق کردند و یزید را برداشت و به چادر و بیابان رفت... یزید در چنین محیطی بزرگ شده است ...

دور و برش سگ، میمون، گوسفند، الاغ و... وجود دارد و بعد به فکر افتاد که معاویه می خواهد یزید را به خلافت برساند. یک مثلا شاهزاده میمون باز... هست سگ باز هست اهل شراب هست اهل برخی مسائل دیگر هست کنیزکان تا صبح برای او می زنند و می رقصند هست و او به همه چیز فکر می کند مگر مصلحت مسلمانان...

این که قرآن و پیامبر کیست این ها را کار ندارد شیعه و سنی اتفاق نظر دارند بر این شخصیت معاویه و او با این اوصاف شده خلیفه مسلمین !!

معاویه یک ظاهر سازی میکرد اما یزید نیاز به ظاهر سازی ندارد کلا سه سال و هشت ماه خلافت کرد و بعد هم یک مرضی گرفت و به درک واصل شد د راین سه سال و هشت ماه سال 61 واقعه کربلا را به وجود آورد و سال 63 حمله کرد به مدینه و هزاران صحابی را کشت و سه روز مدینه را مباح کرد دختران و زنان را به سریازانش و سال 64 هم کعبه را به منجنیق بست و سال 65 هم به درک واصل شد... این که می گویم زمان امام حسین علیه السلام هیچ چیز سرچایش نیست، به همین بیان اندک من متوجه می شوید اوضاع چگونه است: تبعیض، فحشا، منکرات، اشکالات اعتقادی و... وجود دارد و چیزی که نیست اخلاق و سنت است... سنت پیغمبر و سنت امام علی علیه السلام و یا سفارشهای پیامبر... این ها بود که امام حسین دید نمیتواند سکوت کند؛ من تعجب می کنم از این که برخی سوال می کنند امام حسین علیه السلام برای چه قیام کرد؟

• امام حسین علیه السلام قربانی انحرافات جامعه اسلامی

یک راه وجود داشت یا این که امام حسین قربانی اسلام شود یا این که اسلام از بین برود ...

و آن چه در راس هرم است یعنی اگر امام زمان باید قربانی اسلام هم شود، باید شود خداوند این طور شود ولی اگر مثل سال 61 شد همه چیز باید قربانی اسلام شود. و لذا می بینیم که امام حسین قربانی شد و باید هم به گونه ای این کار انجام شود که صدا کند. و لذا می بینید که امام حسین علیه السلام با همه هستی اش آمد...

این واقعه باید به گونه ای باشد که بعد از 1383 سال هنوز زنده باشد هنوز به دنیای امروز ما پیام دهد... امام باید قربانی شود ... من باز بحث را رها میکنم و این را هم متذکر می شوم که بسیار جای کار دارد و پژوهندگان می توانند روی این مباحث کار کنند.

و اما سوال سوم: هدف امام حسین علیه السلام چه بود؟ آیا امام حسین شهید شدند که ماها گریه کنیم و اشک بریزیم و آمرزیده شویم؟ درست است اما امام صرفا برای این شهید نشد... از خود امام حسین سوال میکنیم که هدف شما از این قیام چه بود؟ فرمود: اربد ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر... اولش فرمود: من برای خودخواهی قیام نکردم... من از سر سیری قیام نکردم و

برای پست و مقام قیام نکردم من قیام کردم برای امر به معروف و نهی از منکر و امام در ادامه میفرمایند: و اسیر به سیره جدی ؛ این که سیره جدم را زنده کنم ؛

در واقع اسلام یک فدایی می خواهد تا زنده بماند یک خون می خواهد تا درخت تنومند اسلام را برای صدها سال و یا هزاران سال آب یاری کند و آن خون ، غیر خون حسین بن علی و اصحابش نبود .

همین مقدار بدانید این که عزادار اباعبدالله الحسین هستید بهترین بندگان خدایید همین مقدار بدانید که امام علیه السلام برای چه قیام کردند... ما هم همان کار را کنیم ... امام قیام کردند برای امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز .. و کدام معروف بالاتر از نماز... امام قیام کرد برای عدالت ... برای احقاق حق مردم برای ایجاد الفت برای رفع ستم و انهی عن المنکر و کدام منکر بالاتر از ستم ؟

هر که می تواند باید این امر به معروف و یا نهی از منکر را انجام دهد؛ از بالاترین مقام تا پایین ترین

ظهر عاشورا است مثل باران، تیر به سمت امام علیه السلام می آید اما حسین بن علی علیه السلام به نماز ایستاد و عزادار ما از شب تا صبح سینه می زند و عزاداری می کند اما متأسفانه نمازش را نمی خواند و یا خانم هایی که می آیند ، مگر زینب کبرا الگو نیست؟ .. سعی کنیم از هدف امام حسین اطلاع بگیریم و عمل کنیم

دیدید عید که می شود همه خانه هایشان را تمیز می کنند؟ بحث این است که انسان حداقل سالی یک بار خانه خود را تمیز می کند و من سوالی از شما دارم و آن این که من و شما نبایدگاه رسوب زدا به برخی چیزها بریزیم و برخی عقاید خود را از بین ببریم و یک خانه تکانی فکری و روحی انجام دهیم؟!!

باید دهه محرم دهه پایش و پالایش باشد باید دهه تمیز کردن باشد ... شبها دو دقیقه قبل خواب این گوشیهای کذا را کنار بگذارید و به محاسبه پردازید آن موقع است که به هدف امام حسین نزدیک می شوید . سه سوال مطرح و پاسخ داده شد هر که دوست دارد و این سه موضوع را کار کند می تواند

• روضه

شب عاشورا است و ذکر مصیبتی کوتاه دارم

برای عاشورا ، روضه خوانهای متعددی همیشه بوده وهستند اما یک روضه خوان داریم که خیلی بزرگ است روضه خوان اباعبدالله .. این روزها روضه می خواند برای جدش و اشک می ریزد و یک زیارتی هست به نام زیارت ناحیه این که این زیارت سند دارد یا نه من کار ندارم ... آن جا روضه خوان پسر فاطمه است امام زمان علیه السلام است ؛ این روضه خوان ، روضه می خواند برای جدش حسین علیه السلام

السلام علی المحامی بلا معین ... امام زمان به جدش می گوید: سلام بر مدافع بدون کمک کار

امام تا حدی تنها شد که اسبش را خواهرش زینب آماده کرد

قاعده این نیست

السلام علی الشیب الخضیب؛ امام زمان میگویند سلام بر محاسنی که با خون خضاب شد

السلام علی الخد التریب ؛ سلام بر گونه هایی که از اسب بر زمین افتاد و خاک آلود شد

السلام علی البدن السلیب ؛ سلام بر بدنی که او را برهنه کردند و پیراهنش را درآوردند و انگشتانش را قطع کردند و انگشت از انگشتانش در آوردند....

السلام علی راس المرفوع ؛ سلام بر سری که بر نیزه رفت و از این شهر به آن شهر برده شد

الا لعنة الله علی القوم الظالمین و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

اللهم انا نستلك و ندعوك باسمك العظيم الاعظم يا الله يا الله يا الله

خدایا دعاهاى خیرى که شده و مى شود به هدف اجابت برسان به برکت صلوات بر محمد و آل محمد .